

اطلاعیه مجامع اسلامی ایرانیان

دانشجویان عزیز:

استقلال به عنوان یک واژه پسندیده، مورد قبول انسانها و جوامع بشری بوده و هست. این واژه در رابطه با انسان، دارای دوجنبه بیرونی و اجتماعی و درونی و فردی است. مشهورترین جنبه بیرونی آن در سیاست و کشورداری است. اما مورد مهمتر، که میتوان آن را منشأ جنبه اجتماعی دانست، جنبه فردی آن است که به صورت اخلاقی پسندیده در درون هر انسانی تجلی میکند. اما عوامل مختلف میتوانند در انسانها مؤثر افتند و در این اخلاق مقبول، خلل ایجاد نمایند. زهر مهلک برای این اخلاق، اعتقاد داشتن به قدرت، به مثابه اصل راهنما میباشد. خلاصه و چکیده بیانیه امضاء شده از سوی ۲۴ انجمن اسلامی دانشگاههای مختلف، ترساندن مجموعه نظام حاکم از قدرت امریکا است، تا بدینوسیله تمکین نموده و دست از استبداد و زورگفتن بردارد. و این بدان معنا است که امضاء کنندگان همواره معتقد به اعمال زور، برای حل و فصل مسائل میباشند. باید گفت که این بینش همان بینش حاکمین بر ایران است که همواره با این اعتقاد عمل کرده، با بکاربردن اسباب زور یعنی برقراری سانسور و اذیت و آزار و دستگیری و شکنجه و اعدام، سعی به اجرای برنامه های خود نموده و کشور را به این وضع درآورده اند. اصل راهنما همان اصل راهنمای حاکمین است و این موضوع هیچگاه از نظر شما

دانشجویان پنهان نبوده، و به همین دلیل هرگز به فراخوان های آنها لبیک نگفتید و به آنها اعتماد نکردید. و این امر ما را در جهت امید داشتن به آینده ایرانی آزاد و آباد بدست شما فرزندان پاک سرشت وطن راسخ تر نمود.

در این بیانیه، در حالیکه حمله نظامی امریکا به عراق را تشویق و تعریف میکنند، از سوی دیگر آن را برابر با رشد بنیادگرایی دانسته و انتقاد میکنند. یعنی همان چیزی که امریکارابرای ازین بردنش در وطن خویش فرامیخوانند !!! در جای دیگر مینویسند که امریکا در درجه اول برای حفظ منافع خود است که تجاوز میکند، و بعد تأکید میکنند که این امر بلامانع است. سؤال اینست که مگر حکام ایران در درجه اول برای حفظ منافع خودشان نیست که حکومت را غصب کرده اند؟ چه فرقی بین این منفعت طلبان ایرانی با امریکائی وجود دارد که شما امریکائی آن را فرامیخوانید تا ایرانی و یا عراقی آنرا حذف نماید؟ مگر وضعیتی که ایران در آن قرار دارد به دلیل همین منفعت طلبی های درجه اول نیست؟ به چه دلیلی شما فراموش کرده اید که صدام به خواست و به پشتیبانی همین امریکا ایران را با تحمیل جنگ، به ویرانی کشید؟ به چه هدفی سعی دارید جنایاتی را که امریکا مرتکب شده است توجیه نمائید؟ مگر فراموش کرده اید که همین مردم عراق در سال ۱۹۹۱، عزم خود را برای خلاصی از صدام حسین جزم کردند و با چراغ سبز همین امریکا توسط هلیکوپترهای صدام به خاک و خون کشیده شدند و اکنون روزی نیست که گورهای دستجمعی مربوط به آن قیام، از مردم بی پناه

عراقی کشف نشود. چه شده است که اکنون امریکا به زعم شما مدافع آزادی مردم عراق شده است؟ در بیانیه اقرار میکنند که امریکا از قوانین جهانی سرپیچی میکند، در قبال هم پیمانان سنتی

خود عهدشکنی میکند، و...، با این حال تجاوزش به عراق را میمون و مبارک قلمداد میکنند. پس قانون شکنی و عهدشکستن امریکا را خوب میدانند. اگر قانون شکنی و عهدشکنی امریکا پسندیده است چرا از این کار حکام خود شکوه و ناله میکنند؟ ظاهراً، قدرت و اعمال زور را پسندیده میدانند. و چون در پی حمله امریکا به عراق، استوره قدرتهای خود کامه منطقه در چشم بندگان قدرت شکسته شد، آنها در پی اسطوره جدید ابر قدرت امریکا شدند.

دانشجویان عزیز:

هشیاری خود را دوجندان کنید. در نبود اخلاق سیاسی که متأسفانه در کشور ما فراگیر شده است، مدتی است عده ای از هموطنان و تعدادی گروههای سیاسی فاسد و خائن، که در بداخلاقی سیاسی حدی را نگه نداشته اند، بی پروا سخنانی را پراکنده میکنند که درد دیگر کشورهای جهان بی نظیر است. شما مرعوب این جوسازیهای پناه از ترس این خناسان به استبداد پناه ببرید. و این انتخاب بد از بدتر است که این حضرات در بیانیه خود آن را تشویق مینمایند. و آنها غافل نیستند از اینکه در طول ۲۳ سال همین انتخاب بد از بد تر بوده (شرکت در انتخاباتی که برخلاف قانون اساسی فقط از کاندیداهای درون نظام تشکیل شده بودند) که کشورمان را به سقوط کشانده است. دریابانیه میگویند "اصولا در سیاست نمیتوان صرفاً بر اساس

رویاها همواره انتخاب خوب از بد نمود." شاید آنها غافلند از اینکه درسیاست اگر به انتخاب بد راضی شدید بدترین را به شما خواهند داد. و از لحاظ فلسفی هم انتخاب بین بد و بدتر در اثر تکرار به بدترین منجر خواهد شد. اگر امریکائیان در استمرار شکل گرفتن کشورشان به انتخاب بین بد و بدتر راضی میشدند، هرگز به جایی نمیرسیدند که این بیانیه ارباب دنیا قلمدادشان کند.

بیانیه با تمجید از فتح الفتوح ابر قدرت آمریکا شروع شده است، که چگونه خداوند آزادی، آقای بوش، بهار آزادی را برای مردم عراق به ارمغان آورد. یعنی، تو هم، ای ایرانی دست بدامان این ابر قدرت رهائی بخش شو تا آزاد شوی. تو خود بر این کار تواناییستی. اما کمی جلوتر از مردم منطقه! (یادآوری میشود که این بیانیه در هیچ جا مردم ایران را مخاطب قرار نداده است) میخواهد از فرصت حمله آمریکا به عراق استفاده کنند و شهادت و شجاعت به خرج دهند تا از زور و ظلم و جور و تزویر حاکمانشان رها شوند. در این باره باید خاطر نشان کرد که انسان با شهادت و شجاعت احتیاج به مترسک ندارد. شجاعت و شهادت در انسان آزاده تجلی میکند نه انسان زبونی که تن به هر ذلتی میدهد تا به مقصودش برسد. شجاعت و شهادت احتیاجی به مترسک امریکاندارد. نداشتن اعتماد به نفس یکی از دلایل به درگاه قدرت خارجی به در یوزگی رفتن است. قدرتی را که ملت ایران با دست خالی در انقلاب بزرگش نشان داد جهانی، منجمله همین امریکارا به حیرت انداخت.

سالتها دل طلب جام جم از ما میکرد آنچه خود داشت، زیگانه تمنامیکرد

خواهران و برادران، گزیده‌ای از روزها بر رئیس جمهور چگونه میگذرد (۱) منتشره در روزنامه انقلاب اسلامی مورخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ را در زیر می آوریم. تا به مسئولیتی که نسل پیش از خود در قبال نایستادن در برابر استبداد پشت سر خود دارد پی ببرید، و به مسئولیت خویش در این مورد یاد آور شوید.

شاد و پیروز باشید خرداد ۱۳۸۲

مجامع اسلامی ایرانیان

(۱)- آقای ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهوری که در پی یک کودتا از سوی نظام فعلی، به هدف استقرار استبداد، از صحنه سیاسی داخل کشور کنار گذاشته شد هر روز گزارشی را برای مردم در روزنامه انقلاب اسلامی منتشر مینمود.

"....."

در این شب تلگرافی از آقای شیخ علی تهرانی را که خطاب بمن فرستاده شده بود خواندم که در آن آمده است «شما گفتید با چماقداری مخالفت می کنید و می ایستید و استقامت می کنید ولی مثل اینکه کوتاه می آید». البته در همین حدود سؤالی هم در همان مجلس بحث از مسائل دانشگاهی شد که من در آنجا جواب دادم و اینک نیز به ایشان جواب می گویم:

خیر، من ایستاده ام و کوتاه هم نمی آیم. اما همه باید تلاش کنند، شما مرا انتخاب نکرده اید تا بجای همه تلاش کنم. همه باید بایستند. هر بار که کار به چماق و چماق کشی می رسد امثال شما باید مردم را فرا بخوانند و جلوی چماقداری بایستند. در تفسیر سوره والعادیات گفتیم ما مشکلات و موانع را بهانه می کنیم و کند می شویم. اگر این مشکلات و

موانع را بهانه تند شدن و سرعت گرفت بکنیم، همه چیز فوراً دگرگون می شود و پنداری که انسانها از مرگ معنوی رها شده و بعثت و حرکت از سر گرفته اند. در آنصورت «حاصل مافی الصدور». اما اگر همه تکلیف را برعهده من قرار بدهید و بفرض که ما بدین کارها موفق آییم، خواهی نخواهی خود دیکتاتوری می شویم پس بهتر است که کار همه را همه بکنند همه در همه جا بایستیم، چون فطرت اصل است و زور از خود بیگانگی است، فطرت غلبه می کند و ما پیروز می شویم.

اینطور که به من گفتند در همین روز و در همان شهر که آقای تهرانی در آنجا به من تلگراف کرده است آقای حسین خمینی قربانی ضرب شصت چماقداران شده است. خود این مسئله بسیار گویاست که برای زور هیچ حد و حریمی وجود ندارد. این واقعیت روشنی است. اگر امان بیابند و فرصت بیابند و حاکم بشوند، حریمهای دیگر را خواهند شکست، اینست سخنی که من باید بگویم.

این نسل، به خود آی، چشمها را باز کن، از این جوسازیهای مصنوعی نترس، از های و هویها نترس، از تهدیدها نترس و در برابر کسانی که می خواهند زور را بر اندیشه و عقیده حاکم کنند بایست. مرا نیرویی جز نیروی شمانیست، ایستادگی شماست که به ایستادگی من معنا می بخشد. در همه جا در همه شهرها باید در برابر این امور بایستید و به هر قیمت بایستید، تا ایستادگی مرا حس کنید. من ایستاده ام و یقین دارم که چون بر حقیق و چون امروز گروه بزرگی از مردم حق می خواهند، پیروزی با ماست."